



آیا مسأله دارو حل شدنی است؟

بانک مرکزی به وارد کننده‌های دارو و تأخیر در گشایش اعتبار
۳- عدم توزیع مناسب دارو در شبکه درمانی
۴- عدم قیمت‌گذاری مناسب دارو و تغییرات ادواری در قیمت
۵- مصرف بی‌رویه دارو
۶- مشخص نبودن فرهنگ نسخه نویسی توسط همکاران پزشک
با نظرخواهی از مسئولین واردکننده دارو به این نتیجه می‌رسیم که به لحاظ رشد جمعیت از یک طرف و کاهش برابری دلار با دیگر ارزها از طرف دیگر، طبیعتاً بودجه دلاری اختصاصی

وضعیت دارو و کمبودهای ادواری آن در چند سال گذشته، یکی از مشکلات اساسی مردم به شمار می‌آید. علیرغم وعده‌های فراوان مبنی بر حل ریشه‌ای این معضل، متأسفانه این مهم تاکنون صورت نگرفته و مشکل همچنان پابرجاست. حال بد نیست تا اندکی به عوامل مؤثر در ایجاد این نارسایی بیاوریم و بعد به دنبال راه حلی برای آن باشیم. نگاهی اجمالی به این مسئله نشان می‌دهد که چند عامل مختلف در این راستا نقش اساسی دارند:
۱- ناکافی بودن میزان ارز تخصیص یافته از طرف دولت برای وارد نمودن دارو
۲- واگذار نمودن به موقع این ارز از طرف

برای وارد نمودن دارو نیز باید به شیوه‌ای متناسب افزایش یابد. مسئله مهم دیگر اقدام به موقع از طرف مسئولین دارویی کشور جهت تهیه پروفرما و رساندن آن به بانک مرکزی جهت گشایش اعتبار می‌باشد. در چند سال گذشته متأسفانه به دلیل برخی مشکلات، ظاهراً گشایش اعتبار با تأخیری چشمگیر و عموماً در نیمه دوم سال صورت گرفته است. طبیعتاً به ازاء هر روز دیر کرد در انجام این امر، داروی مورد نیاز نیز چند روزی دیرتر به کشور خواهد رسید. بنابراین مسئله تخصیص اعتبار و گشایش اعتبار دارو که یک کالای حیاتی محسوب می‌شود باید از دیگر کالاها تفکیک و جایگاهی متفاوت داشته باشد. بدون شک تجربه‌ای که مدیران دارویی کشور در زمینه اقدام به موقع جهت ثبت سفارش بدست آورده‌اند موقعی مؤثر خواهد بود که با همان سرعت نیز از طرف بانک نسبت به گشایش اعتبار آنان اقدام گردد. در این زمینه برخی از صاحب‌نظران معتقدند که محول نمودن برخی از تعهدات دولت به بخش خصوصی می‌تواند به نحو مؤثری دو مشکل فوق‌الذکر را برطرف نماید. با نگاهی به وضعیت اقتصاد دارو در سایر ممالک دنیا دقیقاً همینطور نیز می‌باشد یعنی این شرکت‌های خصوصی هستند که به طور عمده مسئولیت واردات و صادرات دارو را به عهده دارند. اما آیا ساختار اقتصادی کشور اجازه این کار را به ما نیز می‌دهد و آیا واگذار نمودن برخی از تعهدات دولت به بخش خصوصی مشکل‌گشای مسئله دارو در کشور خواهد بود؟ جواب این سؤال

قطعاً «منفی» است، چرا که دولت یا باید به این شرکتها نیز ارز با نرخ سوبسیدی اختصاص دهد و یا اینکه این شرکتها می‌بایست از منابع مالی خود و به نرخ روز دارو را وارد و در شبکه دارویی توزیع و به فروش برسانند. در مورد اول اگر قرار به اختصاصی ارز باشد که شبکه با تجربه و کار کشته دولتی بهتر می‌تواند از پس این وظیفه برآید و اگر قرار باشد که با نرخ آزاد دارو وارد شود، آنموقع بدون تردید فاجعه‌ای مهلک رخ خواهد داد. نگاهی به وضعیت نرخ ارز در ۶ ماهه دوم سال گذشته و روند متأسفانه صعودی برابری ارزهای خارجی در مقابل ریال و تأثیر آن بر کالاهای وارداتی به وضوح به ما ثابت کرد که حداقل در مورد دارو نباید با این طناب بسیار پوسیده حتی به فکر رفتن به چاه بود. اگر دولت برای این قبیل شرکتها نرخ تعیین کند که در آن موقع این‌ها متضرر و طبیعتاً تعهدی نسبت به وارد نمودن دارو نخواهند داشت و اگر هم نرخ آزاد و تابع شرایط روز باشد که دیگر بدتر، چرا که گاه قیمتها باید روزانه تغییر یابد و در این راستا بعضی سودجویان محترک نیز قطعاً اقدام به احتکار خواهند نمود. نتیجه آنکه دیگر دارویی به دست بیمار نیازمند نخواهد رسید و وضعیت دارو بدتر خواهد گشت. بنابراین تا زمانی که وضعیت کشور از نظر اقتصادی به ثبات لازم نرسیده است اقدام به خصوصی سازی دارو امری محکوم به فنا خواهد بود. بنابراین با توجه به شرایط کشور، بدون شک بهترین نسخه موجود همانا ادامه طرح ژنریک و بلکه

تقویت آن از طریق رفع نارسایی‌های آن می‌باشد. مدیران دارویی کشور در طی چند سال گذشته تجربه‌ای با ارزش در جهت تداوم این طرح یافته‌اند که استفاده از این تجربیات قطعاً کمکی مؤثر در رفع مشکلات فعلی و برنامه‌ریزی معقول و منطقی برای آینده کشور خواهد بود.

مسئله بعد شاید توزیع نامناسب دارو در شبکه درمانی کشور باشد. بعضاً شنیده می‌شود که در ناحیه‌ای از کشور یک دارو یا گروه دارویی مصرفی بسیار بالا داشته در حالیکه در ناحیه‌ای دیگر درست برعکس مصرف آن گروه دارویی خاص کمتر از حد انتظار است و لذا توزیع یکسان دارو به هر دو ناحیه خود عاملی در جهت کمبود دارو در ناحیه‌ای و بی مصرف و فاسد شدن آن در ناحیه دیگر می‌باشد.

عامل دیگر سیاست ناهماهنگ قیمت‌گذاری دارو در کشور است. در این رابطه دو مشکل اساسی وجود دارد: اولاً قیمت دارو از نظر برابری با سایر مواد هنوز در حدی بسیار نازل قرار دارد، ثانیاً افزایش ادواری قیمت چند قلم دارو متأسفانه در برخی موارد می‌تواند موجب عدم هماهنگی گردد و شاید بهتر باشد که در این زمینه مسئولین محترم، بررسی‌ها و تغییرات لازم در قیمت دارو را به صورت سالی یکبار انجام دهند. این امر موجب ثبات سالانه قیمت دارو خواهد گشت. طبیعتاً در این راستا کمیت محترم قیمت‌گذاری دارو باید مسئله داروسازان، اقتصاد داروخانه و صنایع را نیز در

نظر داشته باشد به نحوی که این قشر نیز بتوانند از درآمدی متناسب برخوردار باشند و هرچه بهتر و بیشتر به ارائه خدمات تخصصی دل ببندند. تعیین قیمت منطقی دارو مسئله‌ای است که بر اقتصاد کارخانه‌های داروسازی نیز تأثیری انکارناپذیر دارد. برای تولید یک فرآورده جدید قیمت پیشنهادی باید به نحوی باشد تا امر تولید را مقرون به صرفه نماید، در غیر اینصورت علیرغم توانایی لازم جهت تولید داخلی، کارخانه‌های داروسازی طبیعتاً نمی‌توانند در این راستا قدم بردارند. قیمت‌گذاری معقول دارو علاوه بر تضمین سود قانونی و شرعی باید مسئله استهلاک و جایگزینی دستگاهها، آموزش پرسنل، بالا بردن کیفیت تولید، تحقیقات و ... را نیز دربرگیرد، در غیر اینصورت حتی کارخانه‌های موجود نیز روز به روز فرسوده‌تر گشته و از دور تولید خارج خواهند گشت. توان موجود کارخانه‌های داروسازی کشور به نحوی است که خوشبختانه می‌توانند جوابگوی قسمت عمده نیاز دارویی کشور به نحو مطلوب باشند اما به شرطی که مقرراتی دست و پاگیر آنها را مجبور به عقب نشینی و عدم تولید نکند. طبیعتاً حمایت از صنایع داروسازی کشور نه تنها موجب تقویت هرچه بیشتر صنایع حاضر بلکه حتی موجب تشویق سرمایه‌گذاری بیشتر در این صنایع خواهد گشت با این امید که تولیدات دارویی روزی نه تنها جوابگوی داخل بلکه منبع درآمد ارزی برای کشور نیز گردیده و از این راه توان تولیدی محصولات بیشتر با کیفیتی

برتر را نیز پیدا نمایند.

مسئله دیگر نیز مشکل همیشگی مصرف بی‌رویه داروهاست. علت یابی این مسئله نشان خواهد داد که تجویز و مصرف بی‌رویه دارو علل مختلف دارد. شاید یکی از مهمترین این علل، همانا خواست بیمار یا رویه و تفکر غلط القاء شده در بیماران است که هرچه تعداد اقلام تجویزی توسط پزشکی را بیشتر ببینند نظرشان نسبت به طبیب و شیوه درمانی وی مثبت‌تر و محکم‌تر می‌شود. طبیعتاً این یک معضل فرهنگی است که می‌بایست از طریق آموزش صحیح برطرف گردد. در حالیکه کارآمدترین وسایل تبلیغاتی - فرهنگی جهت رفع این معضل صدا و سیما می‌باشند اما متأسفانه عملاً دیده‌ایم که تاکنون هیچ برنامه‌ای پویا - مستمر و مؤثر از طرف این سازمان در این راستا پیاده نشده است و بدون شک تارفع این علت، پرداختن به دیگر علل شاید بیهوده و یا کم‌تأثیر باشد. بدون شک مسئله تشخیص صحیح و محدود کردن نسخه به اقلام ضروری از طرف پزشکان نیز اهمیتی ویژه و انکار ناپذیر در حل این معضل خواهد داشت. البته سازمان نظام پزشکی کشور نیز از این مسئله آگاهی کامل داشته و در راه رفع آن هم اقداماتی داشته است اما وقتی بعد از چند سال هنوز شاهد آن هستیم که مشکل همچنان به قوت خود پای برجاست شاید ضرورت بازبینی و دوباره نگری در برنامه‌ریزی مجدد جهت مقابله با این مشکل را بهتر بپذیریم. یکی از

راه‌های پیشنهادی که به مرحله اجرا نیز درآمده است امر ضروری بازآموزی است. اجرای این امر واجب حتماً تأثیری مثبت بر بالابردن دانش حرف پزشکی داشته است و فرهنگ نسخه‌نویسی را ارتقاء خواهد داد. اما آیا این افزایش دانش در همه جهات بوده است؟ مثلاً آیا در بازآموزیهای تخصصی پزشکان، به امر آشنایی بیشتر با خواص داروها نیز توجه شده است؟ آیا آموزش صحیح در مورد موارد مصرف، عوارض جانبی، تداخلات دارویی و ... داروهایی که طی سالهای اخیر به فهرست ژنریک وارد شده‌اند و امروزه به طور گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرند به پزشکان ارائه شده است؟ آیا بدون داشتن اطلاعات و شناخت لازم از یک دارو می‌توان آنرا تجویز نمود؟ اینجاست که اهمیت بازآموزی و اختصاص بخشی از آن به فارماکولوژی و اهمیت مجلات دارویی - پزشکی کشور و سایر شیوه‌های آموزشی مشخص می‌گردد. بدون شک بهره‌گیری از شیوه‌های مختلف آموزشی می‌تواند نقشی مهم در حل مسئله مصرف بی‌رویه دارو داشته باشد.

در خاتمه به این نتیجه می‌رسیم که مسئله کمبود دارو علل مختلف داشته که تنها با شناخت جمیع این عوامل و برنامه‌ریزی هماهنگ و همزمان جهت حل هر یک از آنهاست که می‌توان به حل ریشه‌ای مسئله دارو امیدوار بود.